

روزشمار اول تا ۹دی ۱۳۵۷خورشیدی

۲ دی: صبح، عده‌ای از مردم به نیت تظاهرات مقابل خانه آیت‌ا...شیرازی در چهارراه نادری تجمع می‌کنند. اما ساعت به ۳ عصرنگشیده، سرلشکر میرهادی، فرمانده لشکر شرق، دستور می‌دهد سربازانش مردم را به رگبار مسلسل ببندند. دراین گلوله‌باران شصت نفر مجروح می‌شوند و روزنامه‌های وقت، تعداد کشته‌شدگان را ارقام دیگری اعلام می‌کنند؛ عددی که بین هشت، دوازده و بیست متفاوت است. این روز، خونین‌ترین روز قیام مشهدی‌ها از ابتدای انقلاب تا به آن لحظه به‌شمار می‌رود.

۳ دی: اداره‌ها به حالت نیمه‌تعطیل درآمده و کرکه هیچ مغازه‌ای در شهر بالا نرفته است. مردم مثل همیشه مقابل بیت آیت‌ا...شیرازی جمع شده‌اند تا انتقام خون‌هایی را که روز گذشته بر سنگ فرش خیابان ریخته شده است، بگیرند. سیل جمعیت معترض، خود را به میدان شاه می‌رسانند. هدف، پایین کشیدن مجسمه است. مردم درخت‌های میدان را قطع می‌کنند، پایین پای مجسمه رضاشاه آتش می‌زنند و پس از آن مجسمه را با پتک و کلنگ می‌شکنند. عصر همین روز، آقای شیرازی در تلگرافی به‌ازهار می‌نویسد: «اگر میرهادی ظرف ۴۸ ساعت مشهد را ترک نکند، زنده نخواهد بود». پس از این، روزهای ۴ و ۵دی در مشهد، عزای عمومی اعلام می‌شود.

۵ دی: هنگام غروب آفتاب، هفت نفر از زندانیان سیاسی به علت داشتن شرایط بد، دست به تظاهراتی می‌زنند که پاسخ آن، گلوله است. زندانیان پس از شنیدن صدای تیراندازی مأموران، درهای زندان را می‌شکنند و هر چیزی را که دم دستشان می‌آید، آتش می‌زنند. چند دقیقه بعد، دود از پنجره‌ها به آسمان زندان می‌رسد، شهر را سیاه می‌کند و مردم را به آن سو می‌کشاند. در این حادثه شش نفر کشته و یازده نفر مجروح می‌شوند. از کشته‌شده‌های این روز می‌توان به «جواد نبائی مقدم» اشاره کرد. او متولد اردبیل، پیراهن دوز و هفده‌ساله بود و به دلیل شرکت در تظاهرات، بازداشت شده بود و در زندان وکیل آباد به سر می‌برد. بدن نیم‌سوخته‌اش پس از چند روز شناسایی و ۱۱دی در بهشت‌رضا به خاک سپرده می‌شود. محمدرضا حسین‌زاده، دانشجو و سیم‌کش ساختمان، نیز در همین ایام بعد از شکنجه در کلانتری و خودداری از مصرف غذای زندان با شلیک گلوله مأموران زندان جان می‌سپرد. استوار دوم شهربانی، سیدمحمد مادی‌شهری، هم بر اثر آتش‌سوزی زندان وکیل آباد به شهادت می‌رسد. دربی این رویداد، آیت‌ا...سیدکاظم مرعشی و آیت‌ا...شیخ‌مهدی نوغانی و چند نفر از روحانیان بنام و نمایندگان حقوق بشر و دادستان مشهد در زندان حضور می‌یابند. زندانیان اعلام می‌کنند فقط به روحانیان اعتماد دارند. با دخالت علما، هشتاد زندانی سیاسی در این روز از زندان آزاد می‌شوند.

۶ دی: پرده سرخ‌رنگی به طول سه متر در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد نصب می‌شود. روی این پرده نوشته شده است: «به دستور خمینی، سرباز! فرار کن و به برادر مجاهد خود پیوند.»

۷ دی: مشهد برای اعلام همدردی با زندانیان که روز قبل با انقلاب اسلامی اعلام هم‌بستگی کرده‌اند، تعطیل می‌شود. همچنین کارکنان استانداری خراسان ضمن ابراز تنفر از شاه و ایادی او، با جنبش اسلامی اعلام هم‌بستگی می‌کنند و دست از کار می‌کشند و در منزل آیت‌ا...حاج آقا حسن قمی متحصن می‌شوند. پزشکان، کارمندان، کارکنان بهداری و بهزیستی خراسان نیز در یک راهپیمایی با فریادهای «مرگ بر شاه» به صفوف مردم می‌پیوندند. در ادامه نیز اعلامیه کفن پوشان و از جان‌گدشتگان خراسان در اختیار به افسران و درجه‌داران و خانواده‌های آن‌ها منتشر می‌شود. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «از این تاریخ به همه افسران و درجه‌دارانی که نتوانسته‌اند حرکت انقلابی مردم مسلمان و مبارز ایران را درک کنند و به صف مردم پیوندند و هنوز از دستورات شاه خائن و اربابان آمریکایی‌اش اطاعت می‌کنند و فرزندان و مردم بی‌گناه مملکت ما را به خاک و خون می‌کشند، اخطار می‌کنیم که این افسران و درجه‌داران، همانند اربابان‌شان، از نظر ما قاتل و جنایتکارند». در این اعلامیه، همه افسران تهدید شده‌اند که از این پس در مقابل هر شهید یا مجروح، یک مأمور انتظامی یا یکی از افراد خانواده او کشته خواهد شد.

۸ دی: دانشگاهیان مشهد در مجلس بزرگداشت استاد شهید، کامران نجات‌اللهی، شرکت می‌کنند و در پایان، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی‌نژاد سخنرانی می‌کند. مجلس ترجمی را نیز آیت‌ا...العظمی شیرازی و آیت‌ا...قمی و دیگر علما برای تجلیل از شهدای دی مشهد در واقعه گوهرشاد، برگزار می‌کنند. در این مجلس، علما، پزشکان، دانشجویان و اصناف حضور دارند و حضرت آیت‌ا...خامنه‌ای سخنرانی می‌کند و بیانیه دادگستری مشهد در اعتراض به کشتار روز شنبه دوم دی، منتشر می‌شود. در ادامه، قاضیان و کارمندان دادگستری در اعتراض به حکومت نظامی و به‌عنوان همدردی با خانواده شهدا، از حضور در محل کار خودداری می‌کنند و خواستار مجازات عاملان این جنایت می‌شوند.

۹ دی: مردم مبارز مشهد با اظهار شادمانی از پیوستن کارمندان استانداری به صف انقلابیان، وارد استانداری می‌شوند. حاجی‌عبدالرضا غنیان به درخواست دوستانش، به پشت بام استانداری می‌رود و از مردم می‌خواهد که شیشه‌ها را نشکنند و سبزه‌ها، گل‌ها و باغچه‌ها را تخریب نکنند. در این هنگام، یک ماشین ارتش وارد استانداری می‌شود و یک نفر از افسران از ماشین پیاده می‌شود و با آیت‌ا...سیدعلی خامنه‌ای دست می‌دهد. میان مردم شایع شده است که ارتش اعلان هم‌بستگی کرده است، ولی لحظه‌ای بعد، صدای تیربارها از همه‌جا شنیده می‌شود و آتش به روی مردم می‌بارد. در این حادثه، ده‌هائفر شهید و صد‌هائفر مجروح می‌شوند.

از شهدای این دم، می‌توان به شهید مهندس محمد سالیانی اشاره کرد. او در تصرف اداره آگاهی، هدف اصابت گلوله قرار گرفت. غلامرضا شفافی در منزل آیت‌ا...سیدعبدا... شیرازی و قربانعلی صوفی حسن‌آبادی در چهارراه لشکر به شهادت رسیدند. او صبح شنبه نهم دی وقتی که لباس خود را می‌پوشد، به مادرش می‌گوید: «امروز هر چی می‌خواهید، مرا نگاه کنید، دیگر معلوم نیست مرا ببینید». غلامرضا بیک‌زاده، نیز از شهدای این روز است. او کچ‌کار بود و پیش از خارج شدن از خانه، غسل شهادت می‌کند و به یکی از خویشاوندان نزدیک خود می‌گوید: «امروز روز شهادت است». او هم مقابل استانداری با شهادتی چشمگیر به قصد خلع‌سلاح راننده تانک به آن یورش می‌برد و هدف اصابت گلوله سرنشینان تانک قرار می‌گیرد. همچنین محمد تدین چرمه که راننده تاکسی بود و مجروحان را با ماشین خود به بیمارستان حمل می‌کرد، در این روز جلوی منزل آیت‌ا...سیدعبدا... شیرازی به شهادت می‌رسد. از دیگر شهدای ۹دی می‌توان به حسین دلشادژاکت‌باف و اسماعیل توکلی اشاره کرد. توکلی، رتیکو فروش بود و ۲۲سال داشت. او در روز نهم دی درحالی‌که موی سرش را بنا به دستور امام خمینی کوتاه کرده بود تا سربازان فراری شناخته نشوند، لباس تازی می‌پوشد و به مادرش می‌گوید: «من امروز شهید خواهم شد. خیرم که آمد، مرا احث نشود». شهدای این روز فقط از گروه مردان بستند. خاتم فاطمه امیری بیرجندی، نیز از شهدای روز نهم دی است. او درحالی‌که دختر خود را در آغوش داشته است، در چهارراه لشکر به شهادت می‌رسد. مبینه سالورپور از دیگر شهدای زن روز نهم دی است. وی بر اثر هجوم تانک‌های ارتش به صف زنان تظاهرکننده، زیر چرخ‌های تانک به شهادت می‌رسد.

در این روز همچنین فروشگاه لشکر، سینما شهر فرنگ، کارخانه پیسی، انجمن ایران و آمریکا، انجمن ایران و انگلیس و اداره آگاهی و زندان زنان به آتش کشیده می‌شود. خانه مستشاران آمریکایی به محاصره درمی‌آید و کلانتری‌های زیادی سقوط می‌کنند. دو گروه سرباز پیاده، دستگیر و خلع‌سلاح می‌شوند و خودروی آن‌ها به آتش کشیده می‌شود. سرهنگ کلای، رئیس توپخانه، سرگرد افشین، معاون ساواک و سه نفر از کارکنان آگاهی شهربانی به نام‌های ستوان سلطانی، سرپاسبان خسروی و سرپاسبان مقدم کشته می‌شوند و جنازه سه نفر از آن‌ها به عقب واتنی، بسته و تا میدان مجسمه(شهدا) به زمین کشیده می‌شود و سپس آن‌ها از تنه مجسمه به دار آویخته می‌شوند. معاون کلانتری ۴، دو پاسبان، سه مأمور آگاهی و دو سرباز، دستگیر و ۴۴ قیضه تفنگ ۳ و هفت قیضه تیربار و یک دستگاه بی‌سیم بی‌ارسی ۷۷ و ۵۳ عدد ماسک ضدگاز، چهارده تیر فشنگ کلت، ۱۰هزار و ۹۳۰فشنگ ۷/۶۲ و ۱۰ عدد نارنجک اشک‌آور به تصرف انقلابیان درمی‌آید. همچنین خودروی ژیل و سه دستگاه تانک، آتش زده می‌شود. افراد دستگیرشده توسط مردم، همگی شب‌هنگام آزاد می‌شوند اما از آن میان، دو دزدبان پس از خروج از منزل آیت‌ا...العظمی سیدعبدا... شیرازی، به وسیله افراد ناشناسی از پای درمی‌آیند. آن دو، مهم بودند که به روی مردم آتش گشوده‌اند.

روایتی از نهم و دهم دی ماه۱۳۵۷مشهد که در ورق‌های اسنادی آن روزگار ثبت شده است تا شاهدان ماندگار تاریخ باشند

زمستان سرخ در نامه‌های سرّی ساواک

طوبی اردلان باپاییز ۱۳۵۷، مشهد یک روز آرام ندارد. قسه هم از ۲۹آبان و حمله نیروهای رژیم به حرم مطهر رضوی آغاز می‌شود، اما خون مردم وقتی به جوش می‌آید و سعی می‌کنند مقابله به مثل کنند که خبر کشتار کودکان در بیمارستان امام رضا^(ع) در شهر می‌پسجد. از این روز که ۲۳آذر است تا آغاز دی‌ماه، مردم یک لحظه آرام‌و قرار ندارند و هر روز تماشای «مثل برگ از شاخه زندگی افتادن مردم بی‌گناه»، دردشان را عمیق‌تر و تنفرشان را از حکومت شاهنشاهی چندبرابر می‌کند. این پیشینه، آغاز زمستان را به روزهای اوج انقلاب اسلامی در مشهد تبدیل می‌کند؛ روزهایی که از دوم دی شروع می‌شود و به دهم همین ماه ختم می‌شود، روزی که در تقویم‌ها «یک‌شنبه خونین» مشهد نام گرفته است. سطرهای بعدی به روایتی کوتاه از این روزها و البته بازتاب آن در نامه‌های ساواک اختصاص دارد.



تاریخ: ۹دی ۱۳۵۷

موضوع: حوادث و وقایع شهر مشهد

۱- اطلاعات واصله در مورد وقایع روز ۹ / ۱۰ / ۵۷ حاکی است که از صبح روز مذکور، گروه کثیری از قشر مذهبی و عناصر فرصت طلب از مقابل منزل آیت‌ا... شیرازی درحالی‌که تعدادی از روحانیون مشهد آن‌ها را همراهی می‌کرده‌اند، مباردت به راهپیمایی کرده‌اند. افراد مذکور در مقابل ساختمان استانداری به یکدیگر می‌گفتند: «ارتش هم‌بستگی خود را با روحانیون اعلام نموده است...» لذا اخلاگران، دو کامیون سرباز را محاصره[کرده‌اند] و سربازان هم‌بستگی خود را اعلام[کرده‌اند] و شش نفر از آن‌ها که مسلح به تفنگ و اسلحه کمری بوده[اند]، به منزل «سیدحسین موسوی خراسانی»، روحانی طرفدار خمینی، رفته و پس از خلع سلاح شدن و پوشیدن لباس شخصی همراه با اسلحه و مهمات مربوطه به منزل آیت‌ا... شیرازی رفته‌اند. سپس عبدالکریم هاشمی‌نژاد، صفائی و سیدصادق شیرازی، روحانیون افراطی، به بالای تانکی رفته و شعارهایی داده‌اند. ضمناً در روز مذکور اخلاگران، اداره آگاهی مشهد را مورد حمله قرار داده[اند] که در نتیجه یک نفر از مأمورین، شهید[شده است] و آشوبگران، سه نفر از مأمورین را همراه جسد مأمور شهید با خود برده‌اند. ۲- صبح روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، اخلاگران یک نفر سرباز و یک نفر پاسبان را در مقابل منزل آقای شیرازی شهید نموده و جنازه آنان را به فنجین‌ترین وضعی در میدان شاه به دار آویخته‌اند. ۳- در ساعت ۹ / ۱۰ / ۵۷، آشوبگران (منظور مردم انقلابی هستند) به نیروی پایداری مشهد در خیابان نادری

حمله کرده[اند] که با مقاومت مأمورین انتظامی مستقر در محل، روبه‌رو شده[اند]. طی آن سه نفر از اخلاگران مورد اصابت گلوله، واقع[شده‌اند] که به منظور درمان به بیمارستان اعزام شده‌اند.

متعاقب حادثه مذکور، در ساعت ۱۲ظهر نیز در اطراف ساختمان نیروی پایداری و هتلی در مجاورت آن از بالای بام‌ها، مواد آتش‌زا به پایین پرتاب کرده. نیروی پایداری را به آتش کشیده‌اند. مأمورین نیروی پایداری نیز از داخل ساختمان به طرف آشوبگران، تیراندازی[کرده‌اند] و با کمک مأمورین فرمانداری نظامی، محل فوق تخلیه گردیده[است] و سیصد نفر از اخلاگران با مقدار زیادی مواد آتش‌زا دستگیر شده‌اند.

۴- روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، شهربانی خراسان تمام کلانتری‌های مشهد را تخلیه کرده، پرسنل و مأمورین کلانتری‌ها را در ساختمان شهربانی خراسان مستقر نموده و فرمانداری نظامی مشهد نیز تمام نیروهای خود را از خیابان‌ها- به‌جز نقاط حساس- به پادگان مشهد فرستاده است.

۵- روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، اخلاگران، جسد دونفر دیگر که هویت آن‌ها مشخص نبوده[است]، از مقابل منزل آیت‌ا... شیرازی به میدان شاه برده و در آنجا به دار آویخته‌اند.

۶- در بر خورد و درگیری‌های روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، اسلحه و مهمات مشروحه زیر به دست اخلاگران افتاده است. ضمناً تعداد ۱۱۰ نفر سرباز، مقتول‌اثر شهید شده‌اند که احتمالاً تعداد زیادی از این عده، متواری و بعضی دیگر شهید [شده‌اند] و عده‌ای هم به مخالفین پیوسته‌اند. همچنین یک تانک و سه خودرو، لمعه حریق شده و سوخته است.

توضیح سند:

این سند، رویدادهای مشهد را به‌طور خلاصه و ناقص بیان کرده است. ساواک در تلگرافی اعلام می‌کند که شهر تا ساعت ۱۲شب، در اختیار فرمانداری نظامی قرار گرفته است. «سیدمحمدعلی کاشف‌حسینی» که در دهم دی ماه از مجروحین اقدامات خون‌بار نظامیان در مشهد بوده و قطع نخاع شده، در گفت‌وگو با مرکز بررسی اسناد انقلاب اسلامی، می‌گوید که بعد از کشته شدن عده‌ای از نظامیان به دست مردم، نظامی‌ها جسد آن‌ها را به مقر لشکر ۷۷ می‌برند، لباس نو می‌پوشانند و آن‌ها را در برابر نظامیان حاضر قرار می‌دهند. سپس فرمانده برای تحریک سربازان اعلام می‌کند که: «این‌ها به دست سربازان خمینی کشته شده‌اند. عاقبت همه شما این است...» روزنامه خراسان نیز شبیه این موضوع را می‌نویسد و توضیح می‌دهد: «از پادگان خارج

تاریخ سند: ۹دی ۱۳۵۷

موضوع: حوادث و وقایع شهر مشهد در روز ۹/۱۰/۵۷

۱- از صبح روز ۹ / ۱۰ / ۵۷ (۲۵۳۷شاهنشاهی)، گروه‌هایی از عناصر فرصت طلب و اخلاگر(منظور مردم انقلابی است) در منازل آیت‌ا... شیرازی، قمی و سیدکاظم مرعشی در شهر مشهد اجتماع کرده و سپس با دادن شعارهای مضره و ضدملی در خیابان‌های شهر به تظاهرات پرداخته‌اند. ۲- صبح روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، شماری آشوب‌طلب(منظور مردم انقلابی است) در مقابل ساختمان دادگستری مشهد به یک تانک و دو دستگاه کامیون ارتشی، حمله نموده و آن‌ها را به تصرف خود درآورده‌اند. ضمناً سه قیضه مسلسل که روی تانک مزبور بوده، به سرقت رفته است. ۳- در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، عده‌ای اخلاگر ساختمان فروشگاه اتکای لشکر ۷۷ خراسان را به آتش کشیده و سربازان محافظ ساختمان مذکور متواری شده‌اند. ضمناً

توضیح سند:

راهپیمایی پرشکوه مردم مشهد که برخی منابع، [جمعیت حاضر در آن را تا یک میلیون ذکر کرده‌اند، (اخبار جنبش اسلامی، به تاریخ ۱۵دی ۵۷، ۱۰ش)، طبق معمول همه راهپیمایی‌های پیشین مشهد، از مقابل خانه روحانیان شهر آغاز می‌شود. در این راهپیمایی که عده کثیری از بانوان مسلمان شهر نیز شرکت داشتند، قرار بوده در



۷- تا ساعت ۱۴ ظهر روز ۹ / ۱۰ / ۵۷، تظاهرات اخلاگرانه به‌طور پراکنده در نقاط مختلف شهر مشهد به‌خصوص خیابان نادری و خیابان‌های اطراف راه‌آهن ادامه داشته است و دو نفر از مأموران در برخورد‌ها مجروح شده[اند] که برای معالجه به بیمارستان، اعزام گردیده‌اند.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام‌شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

شدند، آتش گشودند و هرکه را در خیابان و کوچه دیدند، کشتند. اگر کسی در مغازه‌ها یافت می‌شد، به شهادت می‌رسید.»

رمضانعلی شاکری در کتاب خود از پرتاب نارنجک به میان مردم می‌نویسد و روزنامه کیهان نیز می‌گوید: «براساس گفته شواهد عینی، در روز دهم دی ماه بیش از دویست نفر کشته و بالغ و بر ۲۰ هزار نفر زخمی شده‌اند، چون بیمارستان‌های مشهد گنجایش این همه مجروح را ندارد، هتل هایت مشهد نیز تبدیل به بیمارستان شده است که گروه کثیری از مجروحین حوادث خونین دهم دی ماه در آنجا بستری شده‌اند. همچنین عده زیادی از مردم مشهد برای نجات مجروحین از مرگ، خانه‌های خود را تبدیل به بیمارستان کرده‌اند. سرده‌خانه‌های بیمارستان‌های مشهد نیز ملو از جنازه‌شده[است] و برای نگهداری جنازه‌ها، اتاق‌های دیگر هم استفاده می‌کنند.»



محل استانداری (خیابان بهار) تجمع کنند. در جلوی استانداری اما ناگهان عده‌ای

فریاد می‌کشند که ارتش به ما ملحق شده و به دنبال آن مردم به سوی چند تانک، و یو گاز ارتشی می‌روند که بر روی آن، عده زیادی از مردم سوار شده [بودند] و عکس‌هایی از امام خمینی را به دست داشتند اما ناگهان صدای رگبار گلوله بلند شده، یک تانک و چند جیب ارتشی به طرف مردم شلیک می‌کنند. (خراسان، ۷ش ۸۵۴، ص ۶).

شنبه

۹ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۳۵

۱۵

SHAHRAKNEWS.IR



تاریخ و هویت

نکته:

منظور از
عناصر
فرست‌طلب

انقلابیون
و نیروهای
پایداری
نیروهای
غیررسمی
ساواک است